

نوشته: ژوزف بوگنار

عضو شورای علوم اجتماعی یونسکو

ترجمه و نگارش:

دکتر خلیل هراتی

جایگاه پژوهش علمی در کشورهای عقب نگاه داشته شده (۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وبالاخره باید دید در چه کشورهایی، بادر نظر گرفتن وضعیت آنها، لازمست مؤسسات تحقیقاتی را که بر پایه کاملاً منی عدل میکنند بوجود آورد؟ در واقع روشن است که اداره کار یک مؤسسه طرح و برنامه ریزی - بعنوان ارگانيسم تحقیق - ضروری نیست و باممکن نیست. حتی باصرفه تر است که توسعه روشهای طرح و برنامه ریزی بر مبنای تجربه وسیع و عمیقی انجام شود. بنابراین مؤسسه طرح و برنامه ریزی هر کشور باید نتایج حاصله و تجربیات مؤسسات مشابه سایر کشورها را بررسی و مطالعه کند. البته این راه حل دارای معایبی است زیرا عده کثیری از اقتصاددانان و آمارگیران را بکار خواهد گرفت، آنها در زمانی که کمبود

مؤسسات تحقیقاتی و برنامه ریزی فعالیت پژوهشی در زمینه تخصصهای علوم اجتماعی و طبیعی در کشورهای در حال رشد، امری مورد تقاضا و هدف عمومی است. روشن است که مسئله پژوهش - بویژه در حالت کمبود متخصص - باید دقیقاً با امر استخدام دانشمندان و تربیت کادرهای علمی و مسئله تعلیم و تربیت قبل از مدرسه و بعد از آن و نیز متخصصین برجسته، مربوط باشد. مجموعه این کوششها را - حلهای مختلفی را دربر میگیرند: خواه دانشکدهها - گروههای آموزشی - انستیتوها - کار تحقیقی را به حساب حکومت انجام دهند، خواه اینکه مؤسسات تحقیقاتی خود بعضی از کارهای تکمیلی را بعهده بگیرند.

این متخصصین با حدت هر چه تمامتر احساس میشود و بچشم میخورند. لذا مفیدتر خواهد بود که مؤسسات فوق را بر مبنای طرح منطقه‌ای - یا احیاناً قاره‌ای - با شرکت پژوهندگان چند کشور سازمان داد. این پژوهندگان فرصت خواهند یافت کشورهای متنوعه خود را در جریان تجربیات و نتایج تحقیقات بدست آمده قرار دهند.

در خصوص نتایج تحقیقات حاصله در زمینه علوم طبیعی یاد شده در بالا، تا آنجا که امکان داشته باشد کوششها باز هم دنبال خواهند شد. در حقیقت بهره‌برداری از منابع طبیعی مستلزم تحقیق و بررسی عمیقی است که در طی دهه‌های سال، ظرفیت و کادربهای علمی بسیار زیادی را بخود جذب میکند. بهره‌وری از نیروی آب، توسعه سیستمهای آبیاری و بکار بردن روشهایی از طریق صرفه‌جویی عقلانی آب، خود معرف کارهایی بس مشکل است.

در حقیقت فکر ایجاد مؤسسات تحقیقاتی محلی یا شرکت چندین کشور بطور جدی مورد توجه بوده است. در اروپا با وجود اینکه رودخانه‌های بزرگ از قبیل دانوب شش یا هفت کشور از این قاره را بیکدیگر متصل میکند، معهداتی ایجاد شده‌اند. در آفریقا این مشکل را میتوان از طریق ایجاد مؤسسات تحقیقاتی محلی متکی بر سیستم‌های بزرگ رودخانه‌های قابل کشتیرانی حل کرد.

مسلماً ایجاد این نوع مؤسسات محلی که متکی بر تعاون اداری و امور مالی مشترک بین چند کشور باشد، بدون اشکال نخواهد بود. علاوه بر عوامل متعدد دیگر، حیثیت ملی، عزت نفس و رقابت بین دانشمندان خود موانع دیگری هستند که باید در رفع آنها گام برداشت. معذالک میهن‌دوستی و رقابت که جزء عوامل محرکه پیشرفت اقتصادی و علمی میباشد باید جای شایسته‌ای را که درخور آن هستند حفظ کنند. زیرا حذف احتمالی این دو عامل - بقرض که امکان آن وجود داشته باشد - نه تنها نفعی نخواهد داشت بلکه باعث ایجاد خسارات فراوانی نیز هست. همکاری علمی محلی با مشکلات دیگر نیز مواجه خواهد

شد: از جمله استقرار اولویت‌ها یعنی تمرکز گنجایش تحقیقاتی در جهت بعضی از کارهای معین و مشخص. در واقع، اولویت فوق از نظر کشورهایی که در این زمینه همکاری میکنند غالباً باین مفهوم است که مشکلات يك کشور بضرر کشور دیگر بررسی و مطالعه شده‌اند. تمرکز نیروها روی موضوع خاص لاجرم حل معضلات دیگر را بتأخیر میاندازد.

علیرغم مشکلات فوق که پیش‌بینی آنها ساده است باید بگوئیم که ایجاد مؤسسات تحقیقاتی در سطح محلی اجتناب‌ناپذیر است. پراکندگی ظرفیت روشنفکری که فعلاً بسیار محدود است، خسارات مادی و معنوی سخت عظیمی را بدنبال خواهد داشت. نیز باید توجه کرد که چنین همکاری، علیرغم پیچیدگی آن، اجتناب‌ناپذیر میباشد، بخصوص در زمینه‌های امر توسعه اقتصادی، هماهنگی در زمینه کوششهای صنعتی شدن، در مورد آموزش عالی، تأسیس دانشگاهها، بهداشت عمومی، مبارزه علیه امراض مسری، در زمینه تجارت خارجی، همکاری در سطح بازار جهانی کشورهای که تولیدات مشابه‌ای را صادر میکنند و قس علیهذا، البته سیاست راکه اخیراً جزو کالاهای صادراتی شده‌است بحساب نمی‌آوریم.

به گمان ما «علوم» میتواند کمک بسیار ارزنده‌ای به کشورهای در حال توسعه بکند، بشرط آنکه باتوجه به ملاک‌های سود تحقیق علمی، عمیقاً مشکلات بزرگ این کشورها را بررسی و مطالعه کند. در مؤسسات تحقیقاتی که در سطح محلی یا ملی کار میکنند، باید رابطه‌ای نزدیک بین تحقیقات با اصطلاح پایه‌ای - تئوریک - و تحقیقات عملی برقرار باشد. طبیعی است که تحقیق پایه‌ای دارای اهمیت بسزائی است ولی مشکلات آن تعمیم مشکلاتی است که از طریق زندگی عملی روزانه بوجود نمی‌آیند. طبعاً افکار جدید، بمفهوم علمی کلمه استثنائی در این قاعده است ولی ظهور چنین افکاری نادر است. اما در مورد مطلب دوم، تحقیق پایه‌ای محدود به بررسی مسائلی میشود که علیرغم محدودیتهای قبلی میتوان آنها را روشن کرد.

این ویژگی امر توسعه با قدرت تمام توسط پروفیسور زی-سبرنال ضمن يك سخنرانی درباره علم‌العلوم خاطرنشان شده است. در حالت طبیعی، تحقیقات باید در وهله اول هدف خود را متوجه مسائل مجرد و عینی نمایند. منظور مسائل کاملاً مجرد و عینی می‌باشد، مسائلی که مربوط به شناخت و تغییر شکل و ساختمان واقعیت فیزیکی و اجتماعی میشود. بهر حال پژوهش پایه‌ای زمانی واقعا میتواند بمرحله اجرا درآید که شناخت و معارف عینی لازم برای عرضه جامع و کامل واقعیت بطور وسیعی وجود داشته باشد تا تعمیم و کلیت امور را مجاز و یا ضروری ساخته و بدین طریق جانشین حقیقه‌های مفقوده شود.

این حقیقتی است که احتیاج به تفاسیر و «گشف» حقیقت فیزیکی با اجتماعی، در طی قرون و گاهی هزاران سال احساس شده است و در طول این مدت انسان هنوز بعد کثیری مسائل پژوهشهای عینی در جهت شناخت طبیعت و جامعه را در اختیار نداشته است. ولی در عصر ما مسخره و حتی تازانگیزی است که ما قصد چنین «کشفیاتی» را داشته‌باشیم اما از طایف تحقیقات عینی صرف نظر کرده و یا اینکه در انجام تحقیقاتی از این نوع سهل‌انگاری کنیم. مسئله دیگر مربوط است به امر توسعه روشهای تحقیقاتی و تربیت کادربهای علمی از طریق تخصص پژوهندگان. ضمن تصریح و تمییز توجه این تخصص باید دو عامل را در مورد توجه قرار داد:

الف: احتیاجات و امکانات زائیده موقعیت کشورهای در حال توسعه.

ب: گرایشهای تحول و تکامل در زمینه علوم جهانی.

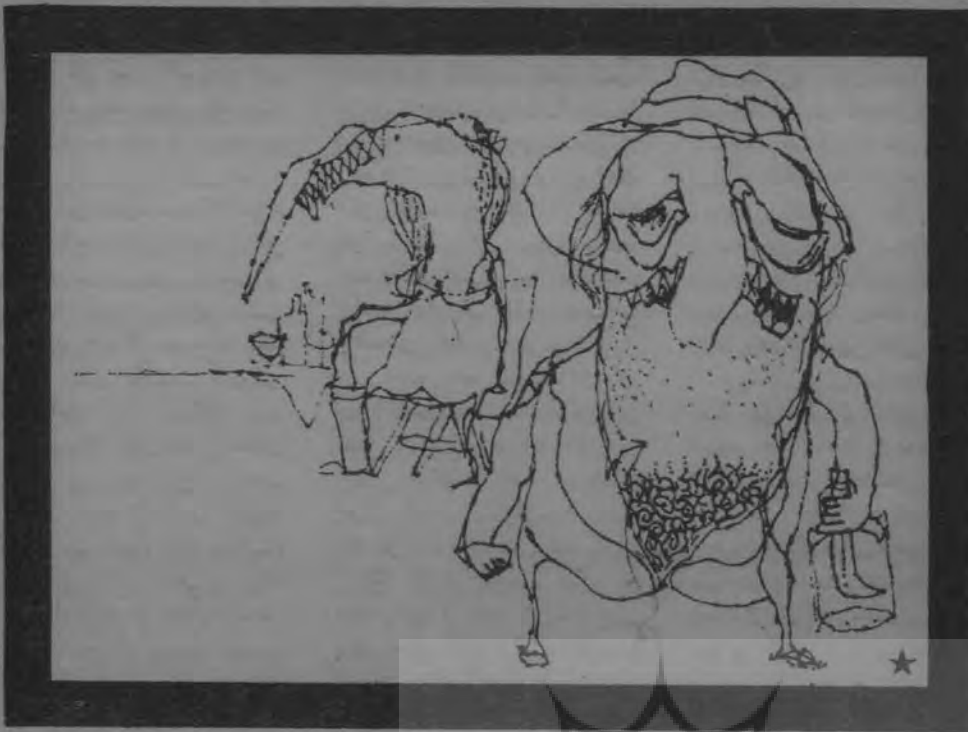
عامل اول در جهت تخصص - گرایشی وسیع کار میکند - در مقابل آن تقسیمات کوچکتر وجود دارد - چون درجه تخصص‌گرایی امکان‌پذیر، تنها مربوط به کمیت دانش و شناختها و هم‌آهنگی درونی آنها نیست بلکه به پیوند موجود بین گنجایش علمی و احتیاجات نیز ارتباط پیدا خواهد کرد چنانچه گنجایش علمی در رابطه با احتیاجات بسیار ضعیف باشد - میدانیم که

وضع اکثریت قریب باتفاق کشور های عقب نگه‌داشته شده این چنین است - باید از تقسیم‌گرایی بسیار محدود اجتناب ورزید، زیرا متخصصین و محققین مسائل فرعی عموماً وجود ندارند. از طرف دیگر چنانچه هدف و قصد تحقیق کار انسان است (البته منظور کار اجتماعی است) هیچ وجه نباید در خط تفکیک علمی یا تئوریک يك تخصص متوقف شد. در واقع، علت عدم شناخت مسائل فرعی که در طی کار ارادی انسان مطرح میشود بهره‌برداری از دانش موجود - که جزئی از حقیقت است - غیرممکن میباشد. چون هیچ پایه و اساسی را در اختیار ما نمیگذارد تا بدانوسیله در مورد يك تصمیم و یا تحقیق و اجرای يك عمل مارا یاری دهد.

بنابراین بهتر است که کلیه وسائل لازم در اختیار محققین گذاشته شود و ضمناً زمینه‌های تحقیقاتی و آموزشی را توسعه دهند که در برگیرنده مسائل متنوعی باشد. وانگهی مثالهای زیادی در زمینه حیات علمی این کشورها وجود دارد و تا بحال تعدادی از دانشمندان مشهور این حقیقت را شناخته و قبول کرده‌اند.

اثبات این امر مطلب دیگری را بخاطر می‌آورد و آن اینکه حتی در کشورهای پیشرفته جامعیت بعضی از رشته‌های مطالعاتی از طریق واکنش تحقق می‌پذیرد و از پژوهندگان میخواهد تا بدهد وسیعی داشته باشند. بدون شك منظور از این دید در مفهوم فضل‌گرایی آن نیست، بلکه کم و بیش منظور شناخت مجموعه مسائل و مشکلات روشهای بررسی و تحقیق و نیز آخرین نتایج بدست آمده از علوم فرعی میباشد. حتی ممکن است این دانشها و اطلاعات از نقطه نظر پژوهش مشترك، غیر کافی جلوه کنند. زیرا شناخت منطقی درونی هر موضوع بهمان اندازه اهمیت دارد که شناخت نزدیک شدن به آن.

يك سیاست علمی عاقلانه باید آزادی تحقیقات را برای دانشمندان کشورهای در حال توسعه تضمین نماید تا بتوانند طرحهای خود را در شرایط تازه‌ای تهیه کنند. این شرایط ترکیب ویژه‌ای خواهد بود از جامعیت و موقعیت فعلی.



هر قدر هم اختلافات بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه عظیم باشند، معذالك تحقیقاتی که در جهت نفع و بمنظور بهبود اوضاع اجتماعی - انجام مییابند از نقطه نظر گنجایش علمی و پایه‌های مادی آن شباهت های فراوانی با هم دارند. لذا، طرح و برنامه‌ریزی اقتصاد ملی، در اینجا و یا آنجا، باید نتایج سیاسی و اجتماعی تصمیمات اقتصادی را به حساب بیاورد و مد نظر قرار دهد. از نقطه نظر «اقتصاد محض» همانطور که غالباً گفته میشود، نمیتوان هیچگونه ارزشی را برای مفاهیم اقتصادی بسیار دقیق قائل شد چون این مفاهیم از نظر سیاسی و اجتماعی یا مضرند و یا غیر قابل اجرا.

این مثال را برای این آوردیم تا نشان دهیم تخصصی که بمنظور اقدامی انسانی انجام مییابد از همان ابتدا باید چشم انداز وسیعی داشته باشد، بطوریکه برای پژوهنده، هدفهایی را معین و مشخص کند چه متخصصین رشته های مطالعاتی خود قادر بانجام آن نیستند.

مسئله منظور از این استنتاجها این نیست که دانش و معارف انحصارا یا بخصوص از جهت کار انسانی و سودمند بهم مرتبط میباشند بلکه غرض اینست که پرتیاسب موجودیت یا فقدان و اهمیت کمی بعضی از معادلات مفروض در این مرحله از فعالیت بشری بهتر شناخته شده و بررسی گردند - از طرف دیگر باین نکته اشاره میکنیم که ضمن تهیه برنامه سیاستهای علمی و نیز بهنگام ترتیب و تنظیم اولویتها، نه فقط باید نظم داخلی، ارتباط و سلسله مراتب آگاهیهها و شناخت های علمی را مورد توجه قرار داد بلکه لازمست ملاحظات و دلائل کاملتری را که با عمل انسان ارتباط پیدا میکند مورد دقت قرار دهیم. از جهت تصمیمات متخذه اینطور مستفاد میشود که بمنظور افزایش تاثیر اقدام اقتصادی و حکومتی که در سطح اجتماعی دنبال میشود احتمالا لازم است بعضی از تخصصها را گسترش داده و چنانچه نقطه شروع تحقیق، خارج از محیط عمل باشد حتی میتوان از این کار نیز صرف نظر کرد. تا اینجا فقط از تخصص های

صحت کردیم که مشکلات آن رابطه نزدیکی را با مشکلات ویژه جامعه مورد نظر یا با محیط مادی اقتصادی آن جامعه نشان میدهد. شناخت مسائل ویژه يك جامعه مفروض و عوامل مادی حقیقی اقتصاد آن، شرط اولیه توسعه اقتصادی بشمار میرود. بدین جهت است که میخواهیم حق تقدم را به توسعه و گسترش چنین تخصصی هائی بدهیم.

در اولین وهله عجیب بنظر میآید که پژوهش علمی، بلکه همان تحقیقاتی که باید در اسرع وقت در سطح ملی یا محلی بوجود آورند از علوم فنی سخنی بیجان آید. در حالی که چون تضاد ظاهری که بین احتیاجات توسعه اقتصادی و نظام اولویت وجود دارد بدون تحقیقات علمی بازم نشدید پیدا میکند همان صنعتی شدن است. در آن صورت آیا بهتر نیست به نحوی دست به صنعتی شدن کشور زد که توسعه بنیادی تحقیقات علمی همیشه یکقدم جلوتر از فعالیت و اقدام صنعتی باشد؟ چون بدین - طریق هر گام جدید اقتصادی با کار سریع ماهرانه مراکز علمی پشتیبانی شده و آماده میگردد.

طبعاً چنین توسعه‌ای با توجه به نفس امر مفید خواهد بود. چنانچه ترتیب و تنظیم اولویتها ضروری بنظر میآید این امر دقیقاباین علت است که نیروهای موجود آماده

مسائل اقتصادی و اجتماعی و نیز کشاورزی - که شامل اقتصاد آب یعنی عامل محرک و متغیر کشاورزی منطقه حاره نیز میشود - در این کشورها فعالیتهائی وجود دارد. لذا این کشورها در این زمینه نوعی تجربه دارند و به مشکلات آن آگاه هستند. بعکس، توسعه صنعتی وسیع و پیشرفته فقط در آرمانها و دورنما های اقتصادی اغلب ممالک مذکور بچشم میخورند و صنعت فعال و پیشرفته که بهترین آزمایشگاه تحقیق و مهمترین بنیاد تربیت علمی را تشکیل میدهد فعلا در مناطق مزبور وجود ندارد.

در مورد علوم فنی، کوششها و فعالیتهای در وهله اول باید در جهت کاربرد و تامین جمع آوری اسناد و مدارک کاملاً سازمان یافته و ایجاد کتابخانه های فنی سوق داده شود.

چنانچه شرایط مساعد از قبیل مواد اولیه، نیروی کار، توسعه بازار داخلی و رشد سریع، نوعی از بخش صنعتی را ایجاد میکند در آن صورت لازم است تا در کنار اولین موسسه صنعتی، انستیتو یا گروهی که به تحقیقات درباره معضلات عمومی رشته صنعتی مورد نظر خواهد پرداخت ایجاد گردد. چون از طریق رابطه باین رشته صنعتی است که باید تربیت تکنیسین ها و سایر متخصصین را سازمان داد. ولسی

موسسه تحقیقاتی فقط نباید به مسائل فنی بپردازد. روشن است که در کشورهای عقب نگهداشته شده انتخاب يك رشته صنعتی يك مسئله ساده فنی نیست بلکه امری اقتصادی نیز هست. زیرا در اکثر موارد انتخاب يك رشته صنعتی که مستلزم سرمایه هنگفت باشد و ضمناً از نظر صرفه‌جویی در نیروی کار سهیلانی را بوجود آورد، زیاد عملی نیست. نیروی کار عموماً در سطح اقتصاد ملی بطور وسیعی موجود است. این مشکلات باید در چارچوب يك طرز تفکر اقتصادی کلی که ضمن تهیه طرح و برنامه ریزی در سطح اقتصادی آماده میگردد حل و فصل شود. ولی چنین طرز تفکری در هر رشته صنعتی يك سری از مسائل خاص را بنا بر طبیعت و کیفیت مقیاس بودن، قابلیت تجارت و معامله فرآورده های آن صنعت مطرح میکند و بوجود میآورد.

نقش فرهنگ ملی

در جریان تهیه سیاست علمی در سطح ملی باید به تخصص هائی که نقش بسیار اساسی در شکل و توسعه وجدان ملی و مردمی دارند نیز فکر و تمیق کرد. در اینجا خطاب ماقبل از همه به زبان‌شناسان، تاریخ نویسان، نویسندگان تاریخ ادبیات و هنرهای زیبا، مردم شناسان و موسیقی دانسان است. آطوریکه غالباً با تیشخند و استهزا گفته میشود در اینجا تنها مسئله ساده «شخصیت ملی» مطرح نیست. هر اگانیس زنده واجد تفکر و احساسات، خواه يك فرد باشد یا يك جامعه، طبعاً آرزو دارد و میخواهد گذشته و شخصیت‌اش را که در آثار هنری منعکس شده است بشناسد و بفهمد. بجاست خاطر نشان کنیم که اهمیت رشته های مطالعاتی فوق از مرزهای ملی میگذرد. ملل دیگر جهان نیز مایلند و میخواهند با میراث غنی و فرهنگی این کشورها تماس حاصل کرده و با آن آشنا شوند. زندگی بین‌المللی که در عصر ما لاینقطع در حال توسعه و گسترش است به دانشمندان که در کار کاوش و تخصص گذشته ملی خویش انداجازه میدهد تا از دوعامل خطرناک برای خود و ملت خویش جلوگیری کنند. متخصصین در این مسائل با توسل

بگنشته غالباً مرتکب دو اشتباه شده‌اند. اول آنکه یا تکیه برگزشته افسانه‌سازی میکنند و ضمناً بطور افراطی اهمیت حوادث گذشته را بزرگ جلوه داده و عمداً از واقعیات دور میشوند. دوم اینکه در بزرگداشت و تمجید از سنتها غلو میکنند. این روش مترادف است با عقب‌نشینی و روگردانیدن از اصول و قواعد توسعه اجتماعی و اقتصادی دنیای معاصر.

مسئله حفظ میراث فرهنگی مفهوم و معنی عمیقی دارد و بخاطر همین است که هرملتی امروز احساس میکند که دنباله رویانکن خویش است. از این طریق میتواند راه طی شده را بررسی کند، ولی امریکه قبل از هر چیز دیگر در حیات ملی و آینده يك ملت موثر و مهم است اصول و قواعد توسعه اجتماعی و اقتصادی نوین میباشد. اصولی که میتوانند در جامعه و در افکار عمومی، در حال حاضر وارد شده و بکار برده شوند یا بکنند و جدان ملی باید کار دستجمعی و مشترک در زمان حال و اساس و ایمان به آینده را پایه و اساس قرارداد دهد. در این معنی و مقیاسوم است که سنتها باید در خدمت وجدان ملی درآیند.

در اینجا میخواهیم بطور خلاصه سخنانی چند در باره زبان شناسی گفته باشیم. در این مورد ما در برابر مسائل بویژه مشکلی قرار گرفته‌ایم. آموزش و بخصوص در دوره ابتدائی و متوسطه باید توجه بیشتری بر زبانهای ملی - محلی - باشد. ولی برای تحقق این هدف، ابتدا باید این زبانها را از جهت ساختمان و نیز از جهت لغات مربوط با بیان و تعبیر صحیح و متکی بر طرز تفکر علم جدید تنظیم و مرتب کرد. رسیدن باین هدف مستلزم اصلاحات زبان شناسی است. همانطور که در بعضی از کشورهای اروپائی به آن اصلاح زبان نام نهاده‌اند. مشاهده میشود کاری که بدوش زبان شناسان افتاده است چقدر عظیم و پراهمیت است. بنابراین سیاست علمی ملی که باید در کشورهای در حال توسعه آماده شود - مطابق با مقتضیات و شرایط قرن ما - باین معنی است که با نجات اقتصاد و فرهنگ، ثمره فتوحات علمی و

نتایج حاصله توسط آحاد و افراد يك ملت چیده میشود و مورد استفاده قرار میگیرد. ولی تحقیق علمی انحصاراً در مراکز ملی دنبال نمیشود، همانطور که دیدیم بهره برداری صحیح از نیروهای مادی و معنوی هنگامی که مسائل و مشکلات پیچیده‌تری مطرح است مستلزم سازمان دادن بآنها در سطح محلی و حتی بین‌المللی میباشد.

کمک و همکاری بین‌المللی

بمنظور تسریع و رشد اقتصادی، کمک بین‌المللی نیز باید در قلمرو تحقیق علمی تضمین گردد. از نظر ثنوری هر کشوری امکان توسعه يك زندگی علمی پیشرفته را تنها از طریق وسائل خاص بخود دارد. ولی روشن است که ایجاد چنین شبکه از موسسات تحقیقاتی علمی بین‌المللی گران تمام میشود و ضمناً سود چندانی نخواهد داشت. از طرف دیگر، برای رسیدن بسطح فعلی تحقیقات در کشورهای توسعه یافته (مغلوبه سطح علمی است) زمانی بسیار طولانی لازم است. يك ملت که شایستگی علمی با يك فرد دارد، آنچه را که نیرو و قدرتش مجاز میکند انجام نمیدهد، بلکه او تنها آنچه را که عقلانی است و بالطبع در جهت خدمت و بهبود مردم است بکار مینندد.

جای شکی نیست که هرگونه سیاست درست باید درصدد کاهش مشکلات رشد برآید و نیز از منتهی ضروری آن بکاهد. طبعاً هر اجرای تحقیق علمی هدف کمک بین‌المللی در زمینه طرح علمی نقش اساسی را بهصدد کار دارد.

اجرای کمک یا همکاری بین‌المللی در زمینه علمی و آموزش بسته بدو عامل است:

۱ - عامل فکر و هوش، سطح سازمانی و بالاخره کوشش و سرعتی که کشورهای صنعتی پیشرفته را در طی فعالیت و کار انتقالی آنها تحت اشکال متفاوت و مشخص و متمایز میکند.

۲ - عامل فهم و ادارا سطح قدرت سازمانی و بالاخره کوشش و اهتمام پژوهندگان، معلمین و رهبران زندگی عمومی و ملی کشورهای در حال توسعه در طی مدت بکاربرد و اخذ و پذیرش آن- بعقیده ناظران تیزبین واضح است

که این فعالیت از جهات مختلف مشکلاتی را در بردارد. چون با فعالیت انتقالی کشورهای صنعتی پیشرفته در ارتباط هستیم، خواستیم مشکلات زیر را خاطر نشان سازیم: الف - نیروی تولید درونی حیات و زندگی علمی نتیجشترکت فعال موسسات تحقیقاتی و دانشمندان کشورهای توسعه یافته است. برای این معنی آنچه را که قبلاً درباره وضع و موقعیت اقتصاد جهانی گفته‌ایم تکرار میکنیم: در زندگی علمی، عواملی که مستقل از امر شرکت فعال - یا درست‌تر بگوئیم غیرمغ آن - توزیع کاملاً عادلانه دانش و معارف را تسهیل نمساید وجود ندارد.

شاید این حقیقت برای اشخاصی که جداً معتقد بوده و هستند - (بهرتر است بگوئیم اشخاصی که در توهم بر میبرند) - که علم آگاهی و شناخت - در نفس خود و اثرات جبران‌کننده و دموکراتیک دارد و حداقل میتواند در شرایط مساعد - در اختیار همه مردم قرار بگیرد زیاد رنج‌آور باشد. ولی در عصر ما «کشف» علمی - بمنوان نتیجه تحقیقات - معرف دوخصت است:

از یکطرف هر آگاهی و شناخت جدید نمایشگر جزئی از دانش جهانی بشری است و در این مفهوم شناخت جدید مستقل از متن اجتماعی و بین‌المللی پژوهش علمی است. اما از طرف دیگر، هر شناخت جدید (بخصوص موقمیکه نتیجه علوم علمی است) ناشی از کار بعضی از سازمانها اعم از اقتصادی یا دولتی می‌باشد که بهره برداری از آن سود مادی سازمانها را بالا میبرد. در تحت چنین شرایطی نابرابری موجود در توزیع دانش و معارف افزایش مییابد. زیرا علت آن نه تنها در نیروی تولید درونی علم است بلکه در نیروها و منافع مادی است که قدرت های اقتصادی آنرا قبضه کرده‌اند ضمن آن که به توسعه تحقیقات کمک‌مالی میکنند و نتایج بدست آمده رامورد استفاده قرار میدهند. بعبارت دیگر: يك قدرت اقتصادی بسیار عظیم قادر است پایه و اساس تحقیقات وسیعی را بنیان نهد. بهره‌برداری اقتصادی از نتایج تحقیقاتی، تحقق درآمدهای تازه‌ای

دارد استفاده میکند. موضوع تحقیق لاجرم ما را پاینجا میکشاند تا به گرایشهای استعمار نوین که در زمینه روشنفکری ظاهر شده است بپردازیم .

استعمار نوین امروزه خود را در برابر جنبش ضد استعماری منطقی که خواهان مساوات و برابری حقوق برای هر ملت است مشاهده میکند . بحث و مباحثه در زمینه روشنفکری بین استعمار نوین و ضد استعمار بر دو مسئله اساسی زیر دور میزند :

الف : عوامل مسئول توزیع نابرابر دانش و شناختها و اختلاف گنجایش علمی و آموزشی بین کشورهای پیشرفته از نظر صنعتی و کشورهای در حال توسعه کدامند؟
ب : چگونه و از چه راه میتوان از شدت اختلاف کاست ؟

در مورد سؤال اول استعمارگران نوین پاسخ میدهند که نابرابری موجود نتیجه تحول تاریخی معینی است که استعمار بهیچوجه مسئول آن - نمیباشد ، بلکه

در اختیار دیگران قرار میدهند ، بیدار میکند ، لذا کشوری که سخت مراقب استقلال ملی و مردمی خویش است و از آن پاسداری میکند ، چنانچه معتقد شود گرفتن و پذیرش دانش دیگران آزادی را که او یا تحمل آتیمه رنج و سختی بدست آورده بمعرض خطر خواهد انداخت ، بهیچوجه نمیتواند استفاده از آن دانش و تجربه را که از نظر عینی ضروری است بپذیرد .

غالباً راجع به پدیده استعمار نوین زیاد سخن گفته اند . این امر قابل درک است بخصوص اگر توجه داشته باشیم که استعمار نوین و حشتناکترین خطر برای دنیای معاصر است .

این بار ضمن بیان مطلب مختصراً اشاره میکنیم که هدف اساسی استعمار نوین حفظ تابعیت کشورهای در حال توسعه بوسیله استعمال روشهای گوناگون است . استعمار نوین برای تحقق هدف خود از کلیه سلاحهای سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و روشنفکری که در اختیار

مشکل ، ضروری و لازم است . لذا میبینیم که سازمانهای تشکیلی میشوند که همه در آن وظایف خود را انجام میدهند ولی در عین حال پیشرفتی در امور دیده نمیشود .

ج) - از نقطه نظر روابط دوجانبی نیز کوششهای زیاد برای توسعه حیات علمی در کشورهای در حال توسعه انجام شده است ، ولی روابط دوجانبی مستلزم هزینه مادی و معنوی بینهایت زیادی است . معلوم است که اینکار چندان موثر نیست . زیرا نتایج حاصله فقط مورد توجه يك کشور میباشد . اگر واقعا میخواهیم کمک شایسته و مناسبی فقط و تنها باین کشور بکنیم باید مسئله علمی مورد نظر حل شود . و یا حداقل مورد بررسی و مذاکره قرار گیرد ، بدون آنکه ممالک دیگر بتوانند از مزایای این راه حل برخوردار شوند و استفاده برقت .

با چنین نحوه استدلال هیچ نمیخواهیم از اهمیت کوششهای کاملا معینی که در حال حاضر بدین منظور انجام میشود بکاهیم . فقط قصد ما بیان این مطلب است که پیچیدگی حاد مسائل علمی کشورهای در حال توسعه ، بهره برداری صحیح از نیروهای محدود و موجود را حتی در سطح بین المللی ضروری میسازد . جای بحث نیست که کمک علمی بین المللی مسائل کاملاً پیچیده ای را از نقطه نظر کشورهای پذیرنده مطرح میکند .

علل این امر بخوبی شناخته شده اند : اینها همه ناشی از کمبود کادر علمی ، نقصان مؤسسات علمی و بالاخره ضعف نو پایه های مادی است که برای توسعه علم ضروری و حتمی میباشند . چون این موضوعات در قسمت اول مقاله ذکر شده است از طرح مجدد آن خودداری میکنیم .

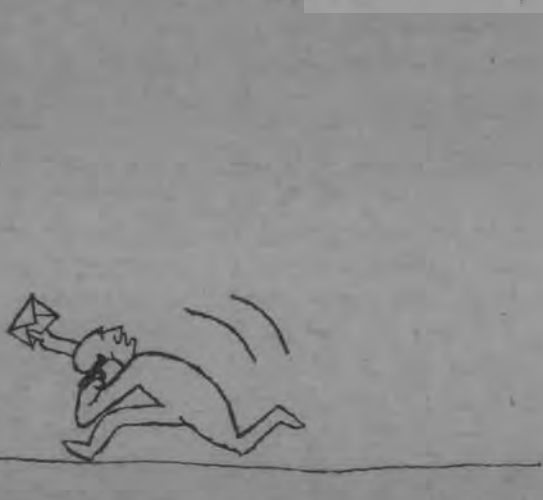
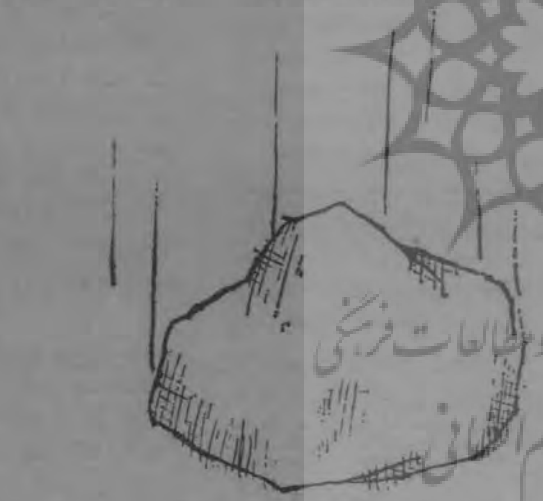
گرایشهای استعمار نوین : در اینجا چند کلمه ای باید درباره مانع اساسی که در برابر کوششها و اقدامات در زمینه اقتباس و پذیرش وجود دارد گفته شود . منظور از مانع اساسی ، گرایشها و تمایلات استعمار نوین است که بشکل روشنفکرانه آن ظاهر میشود . این گرایشها بقدری خطرناک و مضر هستند که حس بدبینی را نسبت بکشورهائی که تجربیات خود را

را ممکن میسازد . و این به نوبه خود برآنداختن پژوهشهای جدید را بدعت همزمانی توسعه و گسترش محیط فعالیت اقتصادی (تولید) ممکن و لازم میسازد .

بنابراین روشن است که گرایش این فرآیند - فقط از طریق تحول در نحوه امور مالی تحقیقات علمی و در سیستم بهره برداری از نتایج حاصله میتواند تغییر یابد .

ب : فعالیتی را که سازمانهای بین المللی در زمینه کمک علمی انجام میدهند هنوز در مراحل اولیه خوش است . بدون اینکه بخواهیم در اینجا به بررسی مسائل و مشکلات سازمانهای بین المللی بپردازیم ، معذالک نمیتوانیم از طرح بعضی جهات مسئله خودداری کنیم . سازمانهای بین المللی موثر که بر طبق اصل کلی جهانی کار میکنند در واقع قادرند اقدامات زیادی را در جهت توزیع نسبتاً کامل دانش و معارف انجام دهند و نیز مسلم است که افزایش سریع تعداد ملل تازه با استقلال رسیده فعالیت سازمانهای بین المللی موثری را اجتناب ناپذیر میکند .

ضعف سازمانهای بین المللی نیز موجب مشکلات عظیمی در زمینه کمک علمی میشود . نقصان اساسی سازمانهای بین المللی دقیقاً در این است که نمیتوانند توجه مردم دنیا و علم بین المللی را در باره مسائل و مشکلات کشورهای عقب نگه داشته شده رهبری و هدایت کنند . این نقصان اساساً از نوعی مجانی بودن سازمانها و از گام برداشتن در خلاف ناشی میشود و این خود زائیده گرایشی است به پرهیز از برخورد با مسائل مشکل و دقیق . توجیه چنین روشی را باید قبل از هر چیزی در طرز تفکر کارمندان سازمانهای بین المللی جستجو کرد . این آقایان فقط خود را مسئول اعمال خویش احساس میکنند و بسر نوشت دنیا و مردم آن کاری ندارند . میدانیم چنین شیوه و رفتاری از طرف کارمندان سازمانهای بین المللی - از ذکر کلمه « بورکرات » در مورد آنان خودداری میکنیم - برای ایجاد محیطی توأم با مسئولیت اخلاقی هیچ مناسب نیست . چون ایجاد چنین محیطی برای حل مسائل



نتیجه اختلاف در تژاد های بشری است - استعمارگران نوین بامهارت مختصری که دارند خاطر نشان میسازند که این اختلاف میتواند ناشی از عوامل غیر تژادی مثلا جغرافیائی باشد . گرچه این طرز بیان و توجیه کمتر جنبه خشونت و زندگی دارد معذالك اختلاف تایید شده را باز هم یابرجا میکند ، زیرا عوامل جغرافیائی بسختی تغییر شکل می دهند . مردمی که از نظر اقتصادی عقب نگه داشته شده اند باز هم در همان وضع و حال باقی خواهند ماند ، و از آنها کاری ساخته نیست . چنانچه در منطقه دیگری از جهان زندگی میکردند مسلما چنین وضعی نمیداشتند . مودی ترین استعمارگران نوین میگویند این اختلاف کلا قابل اثبات است ولی فعلا موجبات و عوامل واقعی آنها نمیدانند و بآن آگاه نیستند . وانگهی می گویند دانستن و شناختن این عوامل بیفایده است . امروزه هدف ، تخفیف تدریجی اختلاف موجود است . همین ویس . استعمارگران نوین که نظرات آنها نمایشگر اختلافات درونیشان است ، در این مورد متفق الرای اند که کشور های در حال توسعه باید افکار و ایده های (عبارت دیگر طرز تفکر) تحول و تکامل جامعه صنعتی غرب را بپذیرند . استعمارگران نوین غالبا ضمن استدلال خود آرمانهای جامعه غرب و تمایلات و آرزوهای بشریت را یکی میدانند .

لذا این دایه های مهربانتر از مادر آنچه را که مشخص شده است و جزئی از کل است ، جهانی و بشری میبندارند . نقطه اتکا و ارجاع آنها جامعه غرب است و با تکیه بر این اصل است که آنچه را که در سایر قاره ها و یا در کشورهایی که نظام اجتماعی متفاوتی دارند با هم مقایسه میکنند .

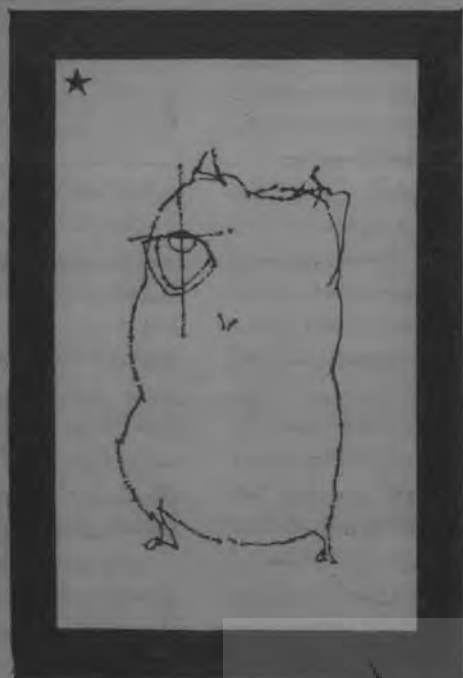
استعمارگران نوین در بساره رژیم اجتماعی خاص خود بعنوان يك پدیده تاریخی مجرد که آغاز و تشکیل آن تابع عوامل متعددی بوده است سخن نمیگویند و از رژیم خود بعنوان نشان دهنده و بیان گرایشهای ابدی بشریت صحبت میکنند ، گرایشهایی که منافع مادی انسان را با امر کلی توسعه اقتصادی هماهنگ و موزون میسازد . پذیرش چنین طرز تفکری از طرف کشور-

های در حال توسعه ، یعنی این که راه تاریخی مستقل خویش را رها سازند و از اصل مسئولیت ملی و مردمی صرف نظر کنند . کشور های در حال توسعه باید - به قیمت کوششهایی بس عظیم و رنجها و محرومیتها - خود راه خاص خویش را که منتهی بتوسعه و ترقی و پیشرفت میشود پیدا کنند . این کشورها ضمن کار و فعالیت باید کلیه ارزشهای فرهنگ بشری و پیشرفت تاریخی را مورد توجه و مدنظر قرار دهند . ولی در همه حال باید با اطلاع و متکی بد معلومات و دانستیهای خود گام بردارند .

و درست در برابر همین حقوق ابتدائی و مسلم و منافع کشورهای در حال توسعه است که استعمار نوین روشنفکری مخالفت میورزد . اما طرده گرایشهای روشنفکرانه استعمار نوین تنها توسط کشورهای در حال توسعه بسنده نیست .

کلیه جنبشهای مترقی موجود در کشورهای صنعتی باید با تمام نیروی خود علیه آن مبارزه کنند . بدین طریق میتوان امیدوار بود که بتدریج استعمار نوین را بیرون رانند و او را شکست داد . مشکلات پیچیده ای که رشد کشورهای در حال توسعه بوجود می آورد کمک متدیك و سازماندهنده و گوناگون علم را ضروری میسازد به نحوی که در مرحله اول باید به تعیین و تشخیص اهداف اجتماعی طولی مدت و میان مدت و در مرحله دوم در هدایت و سازمان دادن به فعالیتهای تنبیهال شده بنظور تحقق این اهداف کمک ویاری کند .

بخاطر پیشرفتهای چشم گیری که در طی دهها سال اخیر انجام یافته است ، امروزه در کشورهای در حال توسعه ، علم میتواند واقعا نقشی را که بعهد او گذاشته شده است ایفا کند . پیشرفتهائی را که از آن سخن میگوئیم اولاً عبارتند از توسعه دانش تحقیقاتی ، ثانیاً تشخیص صریح و روشن روابطی که بین علم و عمل وجود دارد . این پیشرفتها در سطح بین المللی موفقیت هائی داشته اند و این امر اهمیت اثرات کمک بین المللی را در زمینه علمی ثابت میکند . در آغاز این بررسی اشاره



راست که امر تحقیق علمی امروزه بطور کلی به بررسی مسائل کلی محدود میشود که در حدود امکانات فعلی حل آنها امکان پذیر است و این خود علم و عمل را بهم نزدیک ساخته است . زیرا تشخیص گام بعدی - یعنی عمل - چنانچه متکی بر تحقیقات علمی و مجرد باشد ساده تر است تا اینکه استنتاج را متکی بر نظام پیوسته ای قرار دهیم که « حلقه های مفقود » آنها فقط از طریق فرضی و قیاسی میتوان یافت .

فرار مغزها
بنظر این در کشورهای توسعه یافته ، علم باید استراتژی کار اینان را بنظور سریع بیسارفت اقتصادی و اجتماعی نیز تهیه و فراهم کند . ولی نمیتوان سخن از علم برد و ضمنا دانشمندان و محققان را - بعنوان افراد و شخصیتهای اجتماعی - که در گسترش آن سهم اند نادیده گرفت . نقشی را که علم در زندگی کشور های در حال توسعه ایفا می کند بنوبه خود از فعالیت عینی و مجرد دانشمندان و پژوهندگان این کشورها ، از رفتار و کردار اخلاقی آنها و شخصیت اجتماعی آنها ، از موقعیت مادی و بالاخره از روابط آنها با توده مردم جدا ناپذیر است . باید به صراحت گفت که در این مورد در عرض دهه های آینده ، مشکلات جدی در پیش است که باید

بر آنها فائق شد . تکنیک ، ارتباطات و تماسهای بین مردم مختلف الزاما باین معنی است که شرایط زندگی داخلی هر کشور نتنها روبه بهبود و آسایش میرود بلکه جنبه رقابت بخود میگیرد و این همان عاملی است که تغییر محل فعالیت بسیاری از روشنفکران ، دانشمندان و بخصوص پژوهندگان را غالبا توجیه و تفسیر میکند . یعنی اینان محل اقامت خود را ترك گفته و در کشورهای دیگری سکنی میگزینند . اضافه کنیم که این پدیده در کشورهای پیشرفته از نظر صنعتی خیلی شایع است . برای توجیه و اثبات این رفتار ثوریهای تازه ای خلق کرده اند و مدعی اند که در جهان کنونی تعاقب و وابستگی بديك مات دیگر کاری خلاف مصالح ملی نیست بلکه امری است مربوط به انتخاب آزان فرد . منظور ما در محدوده این تحقیق ، بررسی کل فرضیه فوق نیست ولی از گفتن این مطلب ناگزیریم که زندگی علمی در کشورهای در حال توسعه بر اثر تعمیم چنین پدیده و چنین فرضیه هائی ممکن است حتی از پایه و اساس درهم بریزد و از بین برود . چنانچه در بالا گرایشی که قصد دارد اصول وقواعد کشور های پیشرفته از نظر صنعتی را با کلیه نتایج جنبی و ناشی از آن به کشور بقیه در صفحه ۵۵

های درحال توسعه تحصیل کنند
استعمار نوین نامگذاری کردیم بخاطر
این است که نام دیگری به احتکار
کارشناسان علمی نمیتوان اطلاق
کرد. بدینترتیب از کسی که تقریبا
هیچ ندارد آن مقدار کمی را که
داراست می گیرند و آنرا
به کسی میدهند که با مقایسه با
اولی دروفور نعمت زندگی میکند.
بدین لحاظ ما معتقدیم که
جلب دانشمندان جوان کشور های
در حال توسعه در پایتخت های
مهم کشورهای غرب کار خطرناک
و شومی است. این واقعیتی است که
کشور های در حال توسعه نمیتوانند
برای محققین جوان خود آن سطح
زندگی و شرایط تحقیقاتی کشورهای
ثروتمند را تضمین نمایند. احتکار
کادر علمی با تنهایی زیاد و بروست
چون قسمت عظیمی از دانشجویان
کشورهای در حال توسعه نه در
کشور خود و نه در قاره مربوطه
بلکه در کشورهای صنعتی غرب
پرورش مییابند و تحصیل میکنند
این امر بالطبع دانشجویان فوق
الذکر را از تعلیم و تربیت میهنی
باز معیاره. در نتیجه واضح است که
کشورهای عقب نگه داشته شده ضمن تهیه
و تدارک سیاست علمی خود لاجرم
با مشکلات بزرگی مواجه خواهند شد.
از این نظر، گرایشی که تعلیم
و تربیت دانشگاهی دانشجویان را
در کشورها، مناطق ویا قاره های
متعلق بخود آنها هدف قرار داده است
مورد تأیید و تصدیق است. عوامل
متعدد دیگری نیز در جهت این راه
حل کار میکنند. مثلا دانشجویان
در جریان تحصیل و آموزش خود را
از شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور
خویش مجزا احساس نمیکند.
بدینترتیب رشته های محکم او را
به نودمهای مردم و معضلات روزمره
آنها پیوند میدهد. و بالاخره
دانشمندان خارجی در دانشگاه ملی
یا منطقه ای بخاطر توسعه
روزافزون افکار و عقایدشان نفوذ
و تأثیر بسیار عمیقی بجای خواهند
گذاشت.

این امرست ضروری که در
کشورهای در حال توسعه پژوهندگان
و دانشمندان از تضمین شرایط خوب
زندگی اطمینان خاطر داشته باشند.
ولی ضمن تعیین حقوق ثابت، باید
علاوه بر توجه به شرایط زندگی
دانشمندان خارجی، شرایط زندگی

مردم آن کشور را نیز مدنظر
قرار دهیم، اگر میخواهیم امر
مطالعه و تحقیق را تشویق کنیم
در آمد ها باید در سطح نسبتا بالا
تثبیت شود.
البته نه تا آن حد که
روشنفکران مسئول و رهبر بعالت
شرایط خاص زندگی خود یک
پیکره و قشر کاملا بیگانه ای را در
متن جامعه و داخل کشور تشکیل
بدهند.
ثبات اخلاقی، میهن گرایی و
احساس وظیفه و مسئولیت در برابر
جامعه حتی در موقف بهترین شرایط
زندگی از ضروریات اند. کشور
های غنی در غرب بهتر میتوانند
دانشمندان را از جهت مادی
اقناع کنند ولی بهیچ وجه قادر
نیستند شخصیت اجتماعی ای را که
این دانشمندان در کشور های در
حال توسعه و آنیم در میان هم
میهنان خود برخوردار میشوند
تضمین نمایند. از طرفی کشورهای
غریب دیگر نمیتوانند شوق و شور
خلاقیت علمی را در این دانشمندان
جوان بوجود آورند. این خلاقیت
را انسانهای احساس میکنند که
امکانات و وسائل آزاد دارند تا
دانش خود را بفتح کشور و ملت
خویش بکار برند و بشیر برسانند.
لذا تهیه و طرح سیاست علمی منوط
است به ثبات اخلاقی و بشر دوستی
میهن گرای دانشمندان پژوهندگان.
سیاست و علم

ایجاد آنچنان محیط اجتماعی
که دانشمندان و محققان احساس
راحتی و آسایش کنند و نیسز
اعتقاد پیدا کنند که میتوانند کار
مفیدی را انجام دهند قبل از هر چیزی
بنه به رهبری سیاسی است. این
وضع و نیز موقف های دیگر مرا
و ادا می کند تا قسمت آخر تحقیق
را به بررسی روابط بین رهبر
سیاسی و علم اختصاص دهم. مسلما
این روابط تنها به مسائل اجتماعی
و علمی محدود نمیشوند. بررسی
این مطالب ما را به قلمرو فعالیت
سیاسی و حکومتی میکشاند. در طی
این تحقیق غالبا از اهمیت این کار
انسانی مفید و عظیم سخن گفته ایم.
باید از ابتدا خاطر نشان
سازیم که رابطه قدرت سیاسی و
علم مسئله پیچیده و پراز تضادی
را در تمام کشورها بخصوص در
کشورهای عقب نگه داشته شده

بر میانگیزد. غالبا باین مطلب اشاره
کرده ام که در این کشورها علم
بخصوص باید امکان یک عمل انسانی
عاقلانه و مفید را مدنظر دهد.
این تأیید بهیچوجه بآن مفهوم
نیست که علم باید مستقیما بکارهای
سیاسی دست یازد. در مورد تحقیق
علمی کار مستمر و عاقلانه بشری
تا حدودی نقطه حرکت را میسراند
و تا اندازه ای معرف یک نتیجه
است در جهت عمل بعنوان نظم و
ترتیب دادن در روابط مشکوفه.
این نقطه حرکت یا این نتیجه
برقراری رابطه نزدیک بین تحقیق
علمی و فعالیت اقتصادی را که
در سطح اجتماعی دنبال میشود آسان
میسازد. عبارت دیگر این بدان
معنی است که شرایط تماس عینسی
نزدیک، همکاری و کنترل متقابل
سیاست مدار و دانشمند در بعضی از
کشورهای در حال توسعه تحت
شرایطی خاص وجود دارد.
معدا که روشن است که این
تماس همکاری و کنترل متقابل
باعث برخورد های زیادی میشود که
ممکن است شدید پیدا کند بطوری
که ایجاد یک رابطه نزدیک بین
فعالیت سیاسی و تحقیق علمی را
ناتمام مانع خود بلکه غیرممکن
سازد.

این برخورد ها از کجا
سرچشمه میگیرند؟ در وهله اول
از آنجا که سیاستمدار و دانشمندان
نظر شخصیت باهم متفاوتند و در
محیط های متمایزی زندگی کرده
و کار میکنند. بهنجویک سیاستمدار -
حداقل در بعضی مواقع - نسبت
بطرز تفکر دانشمند بیگانه است
و دانشمند بنوبه خود به قواعد
و قوانین فعالیت سیاسی آگاه نیست.
دانشمندان عموما از اینکه
قدرت حاکمه میخواهد در عرض
چند روز راه حل مشکلاتی را که
از نظر تحقیقی چندین سال بطول
میانجامد عرضه کند، شکوه و
شکایت دارند. شکوه دارند که
سیاستمدار ضمن آنکه افکار ساده
وسطحی را میپذیرد، توجیه علمی
آنها خواستار است؛ شکوه دارند
از اینکه سیاستمدار غرق در مسائل
و مشکلات روزمره میشود ولی
فاقد درک و فهم مشکلات درازمدت
است و غالبا جبهه گیری و موضع
خود را تغییر میدهد و هر علیهذا.
شمارش این شکوه ها طولانی خواهد
شد ولی همین مختصر اشاره خود
اهمیت مطلب را میسراند.
رهبران رژیم - عبارت دیگر
سیاستمداران - نیز بنوبه خود
بدانشمندان بعنوان انسان های

صندل لی لی



مخصوص خانمها



فقط در فروشگاههای کفش ملی

اقتصاد سعی کردیم اصول سیاست علمی ملی را مشخص و معین کنیم، ضمناً مسائل و مشکلات تربیت و پرورش کادربهای علمی و موقعیت اجتماعی دانشمندان را در کشور های درحال توسعه بررسی و مطالعه کردیم و گفتیم که آینده تاحدود بسیار زیادی بسته به همکاری فعالی است که سیاستمداران و دانشمندان باید در جریان بنیان‌گذاری و ساخت کشور خود انجام دهند.

در پایان میخواهیم یکباردیگر باین مطلب اشاره کنیم که کمک وسیع بین‌المللی پایه و اساس و شرط اولیه پیشرفت سریع علوم است. ولی در شرایط خاص عصر ما تضمین و تأمین چنین کمکی میسر نیست مگر اینکه حق تقدم را بمسائل مربوط به کشورهای در حال توسعه بدهیم، خواه شرکت فعال دانشمندان و یا بودجه مربوط به علوم مطرح باشد و خواه بهره‌برداری از نتایج علمی.

بنابراین برقراری اولویت‌ها نه فقط در مورد علوم کشور های درحال توسعه ضروری و حتمی است بلکه در سطح بین‌المللی نیز لازم است چه نتایج حاصله از آن که در جهت بهبود زندگی و بهتر زیستن است باید در خدمت تمام بشریت قرار گیرد.

قوانین عینی محیط سیاسی هستند اهمیت قائل می‌شویم. امری بدیهی است که دانشمندان هیچوقت نباید اندیشه خود را در خدمت هوی و هوس شخصی، و افکار پراکنده و طرز تفکر و عقاید هرچ و مرج طلبانه بگذارند.

دردنیای دانشمندان و پژوهندگان تحقیر سیاستمداران و دست‌انداختن بکوشش های آنان آنهم بارفتاری زیرکانه رایج است. این روش تا حدی ناشی از تضادهای قبلی آنان است زیرا دانشمندان آنطور که باید و شاید قوانین محیط‌سیاسی را نمی‌شناسند.

از نظر آینده کشورهای در حال توسعه، مهم این است که سیاستمدارانی ملی که بخاطر سربلندی و ارتقاء ملی، بخاطر پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی مبارزه نمایند با حفظ و احترام با اصول اساسی فوق همکاری و تعاون را یاد بگیرند و هر دو طرف باید کوششهای وسیعی را بمنظور تحقیق این همکاری انجام دهند.

در بررسی و مطالعه فوق گفتیم که در کشور های عقب نگر داشته شده جهش و ترقی علم شرط اساسی تسریع پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی میباشد. ضمن سخن و بحث از ضروریات رشد و

گردد، همانطور که افراط در شهامت میتواند به هرج و مرج گرائی تبدیل شود. و نیز باید اضافه کنیم که اصول و قواعد اقدام سیاسی بحد کافی در معنی و مفهوم علمی آن روشن نیست. دانستن این مطلب که چه وقت انسان بسیار محتاط و جسور میشود امریست مربوط به خلاق و خوی و قضاوت شخصی. بهر حال مسئله اساسی اینست که سیاستمدار باید تردید کمترین و دورترین عواقب اعمال و کارهای خود را تشخیص دهد. زیرا با بکار بردن مانورهای قدرت موقتا تقویت میشود ولی پس از یک دوره طولانی همین مانورها پایه و اساس قدرت را درهم میریزند.

مهم این است که دانشمندان قوانین و رسوم محیط سیاسی را بفهمند و درک کنند. البته منظور این نیست که دانشمندان عقاید و نظریات سیاستمداران را درست بپذیرند ولی حداقل باید فکر و عقیده آنها را بفهمند و با آن آشنا شوند و طرز تفکر و عقایدی را که با شناخت محیط سیاسی بخته و جا افتاده شده اند بصورت عقاید بدوی و کهنه توصیف نکنند.

باید این امر را پذیرفت که عده‌ای از سیاستمداران قائلند توده‌های مردم را سخت تحت تأثیر قرار دهند و هیچ دلیلی وجود ندارد که ما از اهمیت چنین عملی در کشورهایی که نمیتوانند در آینده نزدیک نتایج اقتصادی بسیار مهمی را به دست آورند بکاهیم و بآن کم بها دهیم.

از طرف دیگر مسلم است که بدون شرکت فعال علم سیاستمداران قادر نخواهند بود دید و بینش کلی نسبت به مسائل داشته باشند و یا اینکه راه حل مشکلات پیچیده پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی را پیدا کنند.

از این لحاظ، سیاستمداران و دانشمندان در تحت شرایط خاصی از زمان و مکان بخاطر سود و منافع متقابل پشتیبان یکدیگرند. موفقیت همکاری این دو منوط باین است که دانشمندان بتوانند با توجه به نظرات سیاسی، اصول و قواعد اقدام سیاسی را تهیه نمایند. بجاست خاطر نشان سازیم که مافقط برای نقطه نظرهایی که پاسخگوی

ریزی و موشکاف و پراز و سواس مینگرند. بنظر آنها دانشمندان طرحها و پروژه‌هایی را که دانشمندان ریزند از جهت سیاسی غیر قابل اجرا است. بعقیده آنها دانشمندان فقط در چارچوب فکری خود میانداشند و ضمناً هرگونه تماسی را با توده مردم از دست داده‌اند. حقیقت در کجاست و آیا میتوان این اختلاف دید را با هم آشتی داد؟ بعقیده من این اختلاف را میتوان از میان برداشت بشرط آنکه هر یک از طرفین خود را با اصول و قواعد استدلال و محدوده فعالیت طرف مقابل آشنا سازد. دانشمند باید بداند که همه رجال دولتی - سیاستمداران - الزاماً در چارچوب مقولات قدرت فکر میکنند.

سیاستمداران واقعی - بدون آنکه سخن از رجل دولتی بیاوریم - قدرت را وسیله‌ای برای اجرای هدفهای مشخص و معین میدانند. ولی خوب میدانیم که حفظ این قدرت فنی‌نصه چندان سهل و ساده‌ای نیست. بخصوص در عصر تحولات و تغییرات سریع در زندگی اجتماعی و اقتصادی. بدون شك سیاستمدارانی را میشناسیم که در آغاز قدرت در دست آنها وسیله ساده‌ای پیش نبوده است ولی بعد هدف قرار گرفته، هدفی که دیگر مانع اجرای مقاصدشان شده و حتی سد راه آنها گردیده است. اما نمونه‌های مخالفی در این مورد میشناسیم که سیاستمدارانی ملی با حسن نیت ابتکار اصلاحاتی را که مورد توجه و خواست عامه مردم بوده است بدست گرفته‌اند، ولی در عرض مدت قلیلی قدرت را از دست داده‌اند. از طرف دیگر جای بحث نیست که اکثر پروژه‌های اقتصادی و فرهنگی که از روی دقت و بررسی دقیق علمی تهیه شده‌اند نمیتوانند تغییراتی عمیق در ساخت جامعه و قدرت ایجاد کنند. بنابراین سیاستمدار میخواهد طرحها و پروژه‌های دانشمندان بشکلی انجام یابند و تحقق پذیرند که به قدرت سیاسی موجود لطمه‌ای وارد نکند.

لذا باید متوجه این امر باشیم که سیاستمداران در مورد مسائل مربوط به محدوده قدرت و حکومت محتاط هستند. مسلماً افراط در حزم و احتیاط بیهولت - میتواند تبدیل به ضعف و ناتوانی

صندل کاسپین



مخصوص آقایان



فقط در فروشگاههای کفش ملی